

ممنوعیت استفاده از کودکان در موسسات امنیتی، نظامی و انتظامی گفتگوی نشریه کودکان مقدمند با افسانه وحدت، کریم شامحمدی و سیامک بهاری

کودکان مقدمند: به میزگرد دوم نشریه خوش آمدید. از سوال ساده اما بسیار مهمی شروع می کنیم، استفاده از کودکان در موسسات امنیتی، نظامی و انتظامی چرا باید ممنوع باشد؟

افسانه وحدت:

استفاده از کودکان در ارتش و دیگر نیروهای نظامی شرم بشریت متمدن است. باید ممنوع شود چون دنیای کودک بایستی دنیایی امن و شاد و مرفه باشد به دور از جنگ، فقر، مصیبت و فشار مذهب. کودک نباید به هیچ عنوان در جنگ شرکت داده شود. استفاده کودکان در موسسات نظامی نه تنها میبایستی دهها سال پیش ممنوع میشد بلکه عاملین آن به اشد مجازات محکوم میشدند.

کودکان همیشه بازیچه دست دیکتاتورها، آخوندها، کشیش ها و خاخام ها بوده اند. سیستم حاکم بر دنیا همیشه از کودکان بعنوان انسانهایی که نیروی کارشان ارزان است، شستشوی مغزی دادشان راحت است و راحت می شود آنها را برده خود کرد، سو استفاده کرده است. گماردن کودکان به کار اجباری و استفاده از آنها در ارتش از همین دست است. تعداد کودکان سرباز در دنیا در سال ۲۰۰۶ نیم میلیون نفر تخمین زده میشد. این رقم البته واقعی نیست و فقط در مورد کودکانیست که به ثبت رسیده اند. بطور مثال "ارتش مقاومت لرد" در شمال اوگاندا، (LRA) در یک دوره ۲۰ ساله با ظلم و وحشیگری وصف ناپذیر، کودکان را می زدید و از آنها بعنوان برده در ارتش استفاده میکرد. دختران خردسال هم بردگان جنسی آنها بودند. حتی اعضای خانواده های آنها را می کشتند که راحت تر کودکان را به چنگ آورند. بهره برداری بشدت وحشیانه و غیر انسانی دولتهای عقب مانده و نیروهای ستمگر شورشی و اسلامی در نقاط مختلف جهان از کودکان، ابعاد وسیعی دارد. استفاده از مواد مخدر برای مجبور کردن کودکان به فرمانبرداری و شرکت در درگیری های قومی و ملی در میان این گروه ها رایج است. کودکان را به درجه ای معتاد میکنند که بدون چون و چرا هر "دشمنی" را ببینند بکشند. بتوانند راحت روی مین بروند و معبر باز کنند. این کودکان بعضا قتلهای خونینی انجام داده اند.

نیروهای دفاعی اسرائیلی از کودکان فلسطینی در بسیاری موارد به عنوان سپر انسانی استفاده کرده اند. در بسیاری کشورها کودکان مجبور به دخالت در درگیری های مسلحانه، تحت شکنجه قرار می گیرند. در بروندی سن این کودکان حتی به زیر ۹ سال هم میرسد. تعدادی از این کودکان کوچک قادر به حمل سلاح نیستند ولی مجبورشان می کنند در درگیریها شرکت کنند و سپر انسانی شوند. آنها را دسته دسته به خط مقدم می فرستند تا دشمن خیال کند تعداد سربازان زیاد است. داستان سربازان کوچک در کنگو یکی از تراژدیها و فجایع بزرگ انسانی است.

در این میان دنیا چه می کند؟ و سازمانهای بین المللی به اصطلاح دفاع از حقوق کودکان چه می کنند؟ دولتهایی که دم از دموکراسی و حقوق بشر میزنند چه می کنند؟ چه کسی مسئول است؟ آیا حق این کودکان است که به این شکل قربانی شوند؟ آیا فرهنگ آنهاست که شکنجه شوند، معتادشان کنند و به طور دائم مورد استفاده قرار گیرند؟ آیا وجود ۶۰۰۰ سرباز زیر ۱۱ سال در دارفور نمی بایستی خم به ابروی رئیس سازمان ملل بیاورد، یونیسف را تکان دهد. نجات کودک را بیدار کند؟ مگر سازمان ملل چند سال پیش اعلام نکرد که امکانات مادی و تکنیکی برای آنکه همه در کره خاکی زندگی مرفهی داشته باشند فراهم است؟ چرا هنوز باید فقر و گرسنگی این کودکان را به دام این جانوران بیندازد؟ چرا هر قلدری در هر جای دنیا هر بلای سر کودکان می تواند بیاورد؟ کدام اینها از این همه امکانات مادی میلیاردی استفاده کرده اند تا به این وضع خاتمه بدهند؟ دنیا چشمش را بسته و سازمانهای بین المللی دفاع از حقوق بشر چشمشان را بسته اند.

کریم شامحمدی:

به چندین دلیل باید ممنوع شود. چونکه چنین شیوه ای و قیحانه ترین شیوه سو استفاده کردن از کودکان است. و بنابراین سو استفاده کردن از کودکان در این موسسات امنیتی، نظامی و انتظامی باید ممنوع شود و باید برایش مبارزه کرد که کودکی به این نهادها کشانده نشود.

راه حل اساسی تر این است که این موسسات امنیتی، نظامی و انتظامی حرفه ای بایستی منحل شوند. چونکه این نهادها ساخته دست حکومتها و جامعه است که در جهت منافع اقلیتی ساخته شده است و این موسسات که بوی خون از سرپای آن می بارد هیچ که به درد کودکان نمی خورد و نباید کودکی پایش را در آن بگذارد به درد ما بزرگسالان نیز نمی خورد. چونکه برای هر کدام از ما که سربازی رفته ایم و هیچ اختیار و انتخابی هم در این مورد نداشتیم کاملاً قابل لمس است که چرا این نهادها باید منحل شود. چونکه این موسسات ابزار حفاظت دست طبقه ای است که تحت عنوان حفاظت منافع عموم اسم گرفته است دارد خون می پاشد، رعب و وحشت ایجاد می کند، زندان و اعدام می کند و به این وسیله می خواهند مردم را به تمکین بکشانند. چونکه این ابزارها، ابزار جنگ است، خون است، چونکه به کودکان در همان

دوران کودکی یاد می دهند که چگونه هموعان خودشان را بکشند. چونکه به کودکان به هر شیوه ای ممکن است تجاوز بشود. چونکه در کل شادی، خلاقیت و امنیت کودکان را خواهد گرفت. چونکه کودکان گوشت دم توپ جنگهای خونین حکومتهای کودک ستیز و ضد انسانی خواهند شد و چونکه کودکان قربانی منافع چنین حکومتهایی خواهند شد. و اگر کودکانی هم از این جنگ و خون جان سالم به در ببرند آرامشی در زندگی آینده اشان نخواهد بود. بنا بر این و ده ها دلیل دیگر، استفاده کردن از کودکان در این موسسات، و قیحانه ترین شیوه استفاده از کودکان است و قطعاً و باید ممنوع شود.

سیامک بهاری: تعیین سن کودکی در اینجا هم نقش کلیدی دارد. این را باید مجدداً یادآور شویم. کودک سرباز به کسی گفته می شود که در سن زیر هیجده سال به عضویت دستجات وابسته به نیروهای نظامی، انتظامی و امنیتی در آید. چه این گروهها مستقیماً درگیر جنگ باشند و یا نباشند. این را هم تأکید کنم که دولتها و گروههای شبه نظامی هر دو در استفاده از کودک سربازان مقصر و مسئولند.

در حدود چهل کشور جهان، کودکان به سربازی اعزام می شوند یا در خدمت نیروهای شبه نظامی قرار می گیرند. در کشورهای آفریقایی، سپس آسیا و آمریکای جنوبی بیشترین کودکان سرباز بکار گمارده میشوند. استفاده از کودکان در امور نظامی، انتظامی و امنیتی، ویژه حکومتها، احزاب، فرقه ها و دستجات نظامی، مذهبی، ناسیونالیست و اساساً ایدئولوژیک است که تعریفشان از کودک نه بر اساس حقوق جهانشمول کودک، بلکه در حیطه وظایف و تکلیف برای او استوار است. کودک بعنوان یک وسیله و ابزار توسط آنان بخدمت گرفته میشود. سربازگیری از میان کودکان، با اغفال، فریب و اعمال زور صورت می گیرد. یک اصل عمومی که در مورد اغلب مذاهب و مشخصاً اسلام، صدق میکند این است که مرز سنی کودک را تا آنجا که بشود کاهش میدهد تا زودتر بعنوان فرد "مکلف" به خدمت گرفته شود تا شرعاً بتوان به او امر و نهی کرد.

استفاده نظامی، انتظامی و امنیتی از کودکان به شکلهای گوناگون انجام میشود. از بکارگیری مستقیم کودک بعنوان سرباز، یا برای کودکان مدرسه نظامی راه اندازی میشود، بعنوان ایجاد سپر انسانی از آنان استفاده میشود، از کاشتن و یا پاک کردن میدان مین و مواد منفجره تا استفاده از کودک تحت عنوان فعالیتهای لجستیکی و پشتیبانی جبهه ها، مانند دیده بانی و مراقبت، تبلیغات جنگی، خبرچینی و جاسوسی، پیام رسانی، تهیه آذوقه و مهمات، آشپزی و خدمات خانگی و حتی استفاده جنسی. اشکال متنوع استفاده از کودکان اعم از پسر و دختر است.

تشکلهای شبه نظامی و ایدئولوژیک مانند، سپاه پاسداران، بسیج، طالبان، حماس، الجهاد و حزب الله، شبه نظامیان چین، القاعده، الشباب و غیره مشغول سربازگیری و آموزش نظامی کودکان هستند. یکی از نمونه های تکان دهنده این سربازگیریها، قربانی کردن کودکان تحت عنوان بمب گذاران انتحاری است که کودک مستقیماً بعنوان سلاح بکار گرفته میشود. اصطلاح تکان دهنده گوشت دم توپ همین است. این یکی از واقعیات تاسف بار جهان معاصر و گواهی بر ضرورت جهانشمول کردن حقوق کودکان است.

کلا در جوامعی که قوانین شریعه و فرقه ای حکم میراند، استفاده جنگی از کودکان به امری مشروع بدل میشود. نمونه اش را همه ما در جنگ هشت ساله ایران و عراق از جانب هر دوی حکومتها از نزدیک مشاهده کردیم.

در جوامعی که شیرازه مدنیت در آن از هم گسیخته شده، مانند سومالی، سودان، رواندا، افغانستان و غیره کودکان سرباز به بخشی از بدنه ارتشها بدل میشوند. بنابر گزارش سازمان عفو بین الملل در افریقا قریب به سیصد هزار کودک سرباز در جنگها بکار گرفته شده و میشود.

کودکان سرباز، در اولین قدم کودکی خود را شاید برای همیشه از دست میدهند و گم میکنند، از درس و مدرسه محروم میشوند، دوران کودکی مالمال از خشونت و ناهنجاری دارند. دستور دادن، اجرای فرامین و اطاعت کردن را می آموزند. در سیستمی از ترس و رعب و وحشت رشد میکنند. هنگامیکه آتش جنگ و خصومت فرونشست و از سربازی و جنگین خلاص شدند، آنگاه خلا عظیم آنچه در دوران کودکی از آنان گرفته شده است زندگی ناهنجاری را در بزرگسالی برایشان به ارمغان خواهد آورد. آینده ای که بسان گذشته آنان درناک و فاجعه آمیز خواهد بود.

عموماً کودکان و نوجوانان از سنین یازده تا هفده سال، مورد توجه ارتشها و سازمانهای نظامی هستند. این گروه سنی است که میتواند آسانتر تحت تأثیر قرار بگیرد. قدرت جسمی کافی برای بیشتر جنگیدن و کمتر خسته شدن دارد.

بسیاری از این قربانیان بدلیل بیکاری و نداشتن حرفه و تخصص، عدم دسترسی به مدرسه و ادامه تحصیل، وحشت و ترس از مورد حمله و شکنجه قرار گرفتن توسط گروههای دیگر، اعتقادات شدید خرافی و مذهبی، حتی با تمایل شخصی خود در جنگها شرکت میکنند. شهادت طلب میشوند، شاید با این امید که در زندگی افتخاری بیافرینند و یا به بهشت موعود بروند. هنگامی که هیچ سرپناهی برای تأمین کودک باقی نماند،

آنوقت پیوستن به گروههای درگیر در جنگ تلاشی برای بقا و زنده ماندن است. نیاز روانی کودک به حس امنیت در کنار این دستجات و گروههای مسلح به منزله نوعی مراقبت از خود هم هست. در اغلب موارد تلاشی برای تأمین سرپناه و غذا و گاه حتی امکانی که کودک بتواند به کودکان دیگر نزدیک شود و با آنان رابطه برقرار کند، همبازی پیدا کند و تنها نماند نیز هست.

فراموش نکنیم که به لحاظ روانی کودکان سرباز بر خلاف بزرگسالان در مواجهه با خطرات نظامی از تشخیص میزان

خطر عاجزند، بنابراین چنانچه که باید، ترس را نمی‌شناسند و تجربه ملموسی از آن ندارند. بسیاری از وظایف رزمی را به راحتی بیشتری انجام می‌دهند. اغلب در ذهن کودکان شان خود را قهرمانی شکست ناپذیر فرض میکنند، چرا که قادر نیستند عواقب کارهای خود را مجسم کنند و بسنجند.

از زاویه دیگر کودکان بسیار ضربه پذیرترند و به سادگی بیشتری میتوان آنان را مرعوب و مطیع کرد، تا خود را با اوامر فرمانده و یا بزرگتر از خود تطبیق بدهند.

در دهه ۱۹۷۰ برای ممانعت از شرکت دادن کودکان در جنگها و استفاده از کودکان در خشونت‌های سیاسی و نظامی پیمان نامه‌هایی تصویب شد. اما حقیقت این است که هیچ نظارت جدی و موثری برای متوقف کردن این امر در جهان وجود ندارد. چنانچه در سال دوهزار میلادی طی تصویب موافقتنامه ای که در مجمع عمومی سازمان ملل متحد، در مورد شرکت کودکان در درگیریهای مسلحانه به تصویب رسید، دولتها مجاز شمرده میشوند که کودکان را در نیروهای مسلح بصورت داوطلبانه استخدام نمایند اما در حد امکان آنها را در نبرد مسلحانه بکار نگیرند! جمهوری اسلامی ایران ده سال بعد یعنی در ۲۱ سپتامبر ۲۰۱۰ آنرا امضا کرد. طبق مصوبه دادگاه کیفری بین‌المللی در سال ۱۹۹۸ که اول ژوئیه ۲۰۰۲، اجرایی شد "سرباز گیری یا نامنویسی از افراد زیر ۱۵ سال برای شرکت در درگیریهای نظامی ممنوع و یک جرم جنگی محسوب می‌شود".

می بینید که حق کودک با به رسمیت نشناختن جهان کودکی او توسط سازمانهای جهانی به چه سادگی میسر میشود. هنوز سن دوران کودکی علیرغم تصویب کنوانسیون حقوق کودکان که کودک را زیر هیجده سال تمام تعریف میکند، حتی مجمع عمومی سازمان ملل سقف سنی را زیر پانزده سال تلقی میکند. هیچ پشتیبانی جدی در جهان برای توقف ماشین جنگی کشتار کودکان وجود ندارد.

کودکان یعنی افراد زیر هیجده سال مطلقاً نباید در موسسات نظامی، انتظامی و امنیتی تحت هر عنوانی عضو و یا استخدام شوند! این یکی از وحشیانه ترین و شنیع ترین اشکال تعرض به حقوق کودک است. این نوع فعالیتها تاثیر بشدت مخرب و اغلب غیر قابل ترمیمی بر روان کودک میگذارد. از این رو استفاده از کودکان در امور نظامی، انتظامی و امنیتی باید بیدرنگ ممنوع گردد.

نشریه کودکان مقدمند: استفاده جمهوری اسلامی از دانش آموزان برای تبلیغات جنگی چگونه است؟ افسانه وحدت:

در ایران هم ۳۲ سال است همین وضع حاکم است. جمهوری اسلامی، از بدو ورودش به آزار سیستماتیک کودکان مشغول شد. هر آنچه در یک جامعه متمدن جرم به حساب میاید برای جمهوری اسلامی نورم و روتین است. هر مجازاتی که قرن‌ها پیش، زمان جهالت انسانها استفاده می‌شده برای جمهوری اسلامی قانون است. حکومت اسلامی به کودکان به چشم طعمه‌هایی نگاه میکند که هر لحظه بتواند از آنها برای مقاصد پلیدش استفاده کند. طعمه‌هایی که با تبلیغات و شستشوی مغزی دادن حاضر به هر کاری بشوند. معنی کودک بودن برای این جانوران، کودک "شهید" "سرباز امام زمان" و "بسیجی" و "ایثارگر" است. بودجه‌های کلان از همان روز اول حکومت اسلامی برای ربودن کودکی کودکان و استفاده از آنها در جنگ با عراق به کار گرفته شد. میلیونها دانش آموز جزو ارتش ۲۰ میلیونی خمینی شدند. و این ننگ، یعنی شرکت دادن و استفاده کودکان در ارتش و جنگ برای اسلاميون حاکم افتخار است و هر چه سن آنها در این رابطه کمتر باشد، افتخار آمیز تر است. مدتی است که نوزادان بسیجی در صدر لیست افتخار این جانان است.

حاصل ارتش ۲۰ میلیونی خمینی در جنگ ایران و عراق که بخش وسیع از آن را نو جوانان دانش آموز تشکیل داده بودند طبق آمار رژیم هلاکت ۳۶۰۰۰ دانش آموز بسیجی بود. یعنی در طول ۸ سال جنگ هر سال ۴۵۰۰ نوجوان، هر ماه ۳۰۰ نفره قتل رسیدند. و اینها انسان بودند و آینده این دنیا و این مملکت که نابود شدند و دنیا ساکت بود و سازمان ملل ساکت بود و یونسف و نجات کودک ساکت بودند.

چطور موفق شدند این جوانان را به کام مرگ بفرستند؟ خیلی سخت نیست وقتی که امکانات مملکتی را در دست دارند، تبلیغات مال آنهاست، بودجه هنگفتی زیر دستشان ریخته که بخش عظیمی از آن را صرف سرکوب و ارتش می کنند، میتوانند مذهب و خرافات را در مدارس جایگزین علم و دانش کنند و به شستشوی مغزی جوانان بپردازند. آنقدر آنها را از قیامت و عقوبت بترسانند که وجودشان از ترس و وحشت پر شود. بعد راحت تر میتوانند آنها را اسیر کنند و برای اهداف شومی که دارند بکار گیرند. هدف جمهوری اسلامی از همان اول همین بود.

طرفد دیگر رژیم علاوه بر شستشوی مغزی جوانان، و ترساندن آنها از عقوبت و جهنم و غضب خدا، این است که اول خانواده‌ها را از هستی ساقط میکند، شام شب را از آنها میگیرد، همه را به فقر و به ورطه نابودی میکشاند، امکان رفتن به مدرسه را از کودکان میگیرد و آنها را در سنین پایین روانه بازار کار میکند، بعد به خانواده ها اگر جگر گوشه‌هایشان را به بسیج بفرستند هزار وعده و وعید میدهند و به جوانان هم وعده مدرک تحصیلی و درآمد بالا و جیب‌های پر پول میدهند و یا به کودک وعده میدهند که خانواده‌اش را تامین میکنند.

البته خود مقامات دولتی و آخوندها به این اراجیف و دروغ‌ها باور ندارند. "ایثار گری" و "شهادت" برای آنها نیست. آقا زاده‌ها هر روز فرجه تر میشوند و جیب‌هایشان پر پول تر، عمارات و برج‌ها به اسمشان ساخته میشود. بستنی ۲۵۰

دلاری مال آنهاست و جنگ و مصیبت و خوف از خدا مال خانواده‌های محروم است که برای لقمه‌ای نان فرزندشان را روانه جبهه‌ها کردند. در حال حاضر هم ۴ میلیون دانش آموز دختر و پسر در دوره‌های ابتدایی، راهنمایی و متوسطه عضو بسیج هستند. با بودجه هنگفت و تبلیغات وسیع در مدارس ضحاکان در کمین تعداد بیشتری کودک و جوان هستند و پیش بینی میکنند تا چند سال دیگر این رقم به ۸ میلیون برسد. البته این جانین همانطور که ذکر کردم به سن ابتدایی پسند نکرده و به نوزادان هم دست درازی کرده اند و خانواده‌ها را تشویق میکنند که کودکان نوزاد خود را عضو بسیج کنند.

چه باید کرد؟ آیا باید گذاشت حکومت اسلامی به سرباز گیری کودکان ادامه دهد؟ آیا میشود ساکت بود و گذاشت کودکان دیگری آماده رفتن روی مین‌ها شوند و معبر برای سربازان امام زمان باز کنند؟ خانواده‌هایی که کودکانشان را عضو بسیج میکنند نه تنها مسؤل جان کودکان خود هستند بلکه قصابی ۳۶۰۰۰ کودک در جنگ را تایید میکنند. چه کسی باید به این وضع خاتمه دهد و حرمت و منزلت را به کودک باز گرداند. ۶۵ سال از حیات یونیسف می‌گذرد. آیا در این مدت کودکان کمتری به سربازی گرفته شده اند؟ آیا فقر کودک خاتمه پیدا کرده؟ دیگر کار موسسات خیریه و غیرانتفاعی نمی تواند به خیل میلیونی کودکان محروم کمکی بکند. بایستی متشکل شد و اعتراض کرد. زمان اعتراضات وسیع برای بدست آوردن آنچه این حکومت از فرزندانمان دزدیده فرا رسیده. این بی حرمتی‌ها و ظلم‌ها نباید بی پاسخ بماند. صفوف دزدان حاکم در ایران بشدت در هم ریخته است. فرصت آن است که با صفوف متشکل و دست در دست، جامعه ای آزاد و برابر بسازیم. کودکان بایست مقدم باشند بر هر ملاحظه و منفعت ملی، نژادی، اقتصادی، سیاسی، ایدئولوژیک و مذهبی.

نشریه کودکان مقدمند: جمهوری اسلامی چگونه از کودکان در جنگ ایران و عراق استفاده کرد؟

کریم شامحمدی: جمهوری اسلامی تحت عنوان دفاع مقدس و صدور اسلام یا پان اسلامیزم در جنگ هشت ساله ایران و عراق، برای کشاندن کودکان به میدان جنگ و مین از هر شگرذ و قیحانه و غیره انسانی از کودکان استفاده کرد. جمهوری اسلامی نه فقط از شگردهای نوحه خوانی یا هر راه ممکن برای شستشوی مغزی جوانان استفاده می کرد، بلکه برای بسیج کردن کودکان، نهادهای غیره دولتی در رده های مختلف برای سازمان دادن کودکان ایجاد کرد. با وصف اینکه جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۷۲ کنوانسیون حقوق کودک را نیز امضا کرده بود ولی هیچ وقعی به همین معاهدات بین المللی که خودشان امضا کرده بودند نگذاشت و سازمانی تحت عنوان "سازمان بسیج دانش آموزی" که مستقیم زیر نظر سپاه پاسداران فعالیت می‌کند ایجاد کرده است و هنوز هم چنین نهادی به قوت خود باقی مانده است. گفته می شود که این سازمان بیش از چهار و نیم میلیون عضو دارد. همین سازمان مسلح غیردولتی، در زمان جنگ هشت ساله ایران و عراق وظیفه سربازگیری از بین دانش‌آموزان و اعزام آنان به جبهه‌های جنگ را بر عهده داشت است.

همانطور که در بالا اشاره کردم این سازمان بسیج دانش آموزان رده بندی‌هایی تحت عنوان "امیدان" برای دوره ابتدایی، "پویندگان" برای دوره راهنمایی و پیشگامان در دوره دبیرستان ایجاد کرده بود و در هر رده ای مشغول عضوگیری بوده اند.

در سایت رسمی سازمان بسیج دانش‌آموزی نیز به وضوح بیان شده بود "کلیه فعالیت‌های متناسب با اوقات فراغت دانش آموزان در مدارس (واحدهای مقاومت) و در محل سکونت از طریق پایگاه‌های مقاومت بسیج جوانان انجام می‌گیرد".

جمهوری اسلامی از شگردهای دیگر از جمله سفره خالی خانواده ها استفاده می کرده است. و به اصطلاح امتیازاتی را برای اعضای بسیج دانش‌آموزی در نظر گرفته است که از فقر و بی امکاناتی که آنهم عاملش خود جمهوری اسلام می باشد استفاده می کرده است.

جمهوری اسلامی از توهم جوانانی که توسط دم و دستگاه‌های نیرنگ خودشان شستشوی مغزی داده شده بودند با این قول و قرار که برای بهشت خیالیشان باید عجله داشته باشند به جبهه جنگ

فرستاده می شدند. طبق آمار رسمی، در این جنگ بیش از نیم میلیون دانش‌آموز زیر ۱۸ سال به جبهه‌های جنگ اعزام شدند. از میان آنان ۳۶ هزار نفر کشته و مفقود شده بودند، ۲۸۵۳ نفر معلول و ۲۴۳۳ نفر نیز به اسارت نیروهای عراقی درآمده بودند.

این شمه ای از شرایط زندگی کودکان و سرنوشت آنها که با تمام وقاحت و بی شرمی از کودکان برای اهداف ننگینشان استفاده شده بود و می باشد. حال به لحاظ روحی و روانی چه بلایی سر کودکانی که جان سالم به در برده اند می آید بجای خود.

باید به این کودک کشی، به این توحش در چنین کشور‌های که از کودکان استفاده می شود بیدرنگ خاتمه داده شود.

نشریه کودکان مقدمند: چرا جمهوری اسلامی بسیج دانش آموزی را سازمان داده است؟

سیامک بهاری: حکومت اسلامی رژیمی مذهبی و ایدئولوژیک است. استفاده جنگی از کودکان برای این حکومت امری الهی و شرعی است. شستشوی مغزی یک بخش از دکان دینی این حکومت است.

جمهوری اسلامی از ابتدای بر سر کار آمدن با انقلاب و اعتراض مداوم مردم روبرو بوده است. مدام مشغول جنگ آفرینی و عملیات تروریستی است. بنابراین مداوما باید سربازگیری کند. وقتی که هجوم خونین این حکومت برای به شکست کشاندن کامل انقلاب ۵۷ شروع شد، سازمان دادن مراقبت علیه مخالفان در محلات و مدارس به یک جز ثابت کار پلیسی و امنیتی اش بدل شد. چرا بخش وسیعی از این اعتراضات توسط جوانان و نوجوانان پیش میرفت. با آغاز جنگ هشت ساله، سربازگیری وجه جدی تر و فوری تری یافت. ایجاد فضای جنگی به جبهه ها محدود نمیشد و کل جامعه را در بر میگرفت. بکار گرفتن جوانان و سربازان ذخیره کافی نبود. بنابراین فرستادن نوجوانان به جبهه های جنگ با سرعت بیشتری سازمان یافت. نهادی به نام بسیج دانش آموزی در واحد بسیج مستضعفین که مستقیماً تحت امر سازمان نظامی، تروریستی و ایدئولوژیک سپاه پاسداران، انجام وظیفه میکرد شکل گرفت.

روز بسیج دانش آموزی هم به نام حسین فهمیده دانش آموز سیزده ساله ای که در هشتم آبانماه زیر چرخ تانکهای عراقی جان خود را از دست داد نام گرفت. خصوصیت اصلی تعریف شده برای بسیج دانش آموزی "شهادت طلبی" است. بعدها در سال ۱۳۷۱ بر طبق توافقنامه ای که بین نیروی مقاومت بسیج مستضعفین و آموزش و پرورش منعقد شد، این سازمان رسمی تر در آموزش و پرورش مستقر گردید.

بنا به ماده ۶۴ قانون استخدامی سپاه، کلیه اعضای بسیج دانش آموزی می توانند از امتیاز کسری دو ماه خدمت سربازی استفاده نمایند، مشروط بر اینکه علاوه بر گذراندن آموزش آمادگی دفاعی مدارس در اردوی آموزشی بسیج نیز شرکت نمایند.

نهاد بسیج دانش آموزی، یک سازمان نظامی امنیتی است که مستقیماً با سپاه پاسداران جمهوری اسلامی در ارتباط است و مشغول سازمان دادن شبکه های جاسوسی و خبرچینی در مدارس و سربازگیری از آنهاست. برای اغفال دانش آموزان و جذب آنها به این نهاد امتیازات ویژه ای به سازمان بسیج دانش آموزی اختصاص یافته است. مثلاً بر اساس آیین نامه اجرایی ماده ۲۰۱ قانون مقررات استخدامی سپاه پاسداران بسیجیانی که حداقل دارای مدرک تحصیلی دیپلم باشند، مشمول قانون ایجاد تسهیلات برای ورود رزمندگان و جهادگران داوطلب بسیجی به دانشگاه ها و مؤسسات آموزش عالی کشور می شوند. و نیز دانش آموزان بسیجی می توانند از امتیازات شرکت در کنکور آزمایشی و المپیادهای علمی بسیجی استفاده نمایند. اعضای بسیج دانش آموزی می توانند بر اساس میزان همکاری خود با واحد مقاومت از امتیازات شرکت در اردوهای آموزشی، علمی و فرهنگی استفاده نمایند.

کودکان سرباز در ایران به نام "بچه های بسیجی" بکار نظامی گرفته شدند و با کمال تاسف طبق آمارهای حکومتی نزدیک به حدود چهل هزار نفر از این کودکان در جبهه های جنگ هشت ساله ایران و عراق کشته شدند. بیش از نیم میلیون نفر از دانش آموزان به جبهه های جنگ اعزام شدند. بر طبق آمارهای حکومتی نزدیک به سه هزار کودک دانش آموز بعنوان جانباز ثبت گردیده است.

با پایان گرفتن جنگ اما کار بسیج دانش آموزی ادامه و گسترش بیشتری پیدا کرد. بطوریکه سازمان بسیج مستضعفین اعلام میکند که: "در حال حاضر بیش از ۴ میلیون دانش آموز دختر و پسر در دوره های ابتدایی، راهنمایی و متوسطه جذب بسیج دانش آموزی شده اند که بیش از ۴۵۰ هزار نفر از آنان عضو فعال بسیج دانش آموزی هستند که مسئولیت هدایت و کنترل واحدهای خود را بر عهده دارند."

سازمان بسیج مستضعفین به بسیج دانش آموزی بسنده نکرد و پروژه های مشمئز کننده مانند شیرخوارگان بسیجی و سه سالگان حسینی را نیز به لیست جنایات خود در هدف قرار دادن زندگی کودکان افزود.

کلا پادگانی کردن محیط آموزش و پرورش یک خط سیاسی جدی جمهوری اسلامی است که توسط نهادهایی مانند بسیج دانش آموزی ممکن میگردد. بسج دانش آموزی دستگاه کنترل پلیسی و نظارت بر رابطه دانش آموزان و مربیان آموزشی نیز هست.

علیرغم تمامی تلاشهای امنیتی و پلیسی جمهوری اسلامی و پادگانی کردن محیط های آموزشی، مبارزات جوانان و دانش آموزان یک لحظه حرکت بالنده خود باز نایستاده است.